

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کارگران انقلابی متحد ایران

۱۷ اگست ۲۰۲۱

بازگشت ارتجاع طالبانی به قدرت

پس از مذاکرات و توافق دولت ترمپ با سران طالبان مبنی بر خروج نیروهای امریکا و ناتو از افغانستان و تأیید و تسریع این روند توسط دولت بایدن (۱۴ اپریل ۲۰۲۱)، نیروهای طالبان که طی بیست سال اشغال افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و متحدانش، هرگز دست از فعالیت های ارتجاعی خود برای استقرار امارت اسلامی در آن کشور برنداشته بودند، راه باز و چراغ سبز برای پیشروی خود یافتند و طی هفته ها و روزهای اخیر شهرهای بزرگ و بسیاری از مراکز استان [ولایت] های افغانستان را یکی پس از دیگری بدون مقاومت و ظاهراً با توافق جنگسالاران یا بخشی از آنها به تصرف خود درآوردند. آنان اینک کابل پایتخت افغانستان را در محاصره خود دارند و ورود به این شهر – یا ورود کامل به آن – صرفاً وابسته به آخرین مذاکرات در باره نحوه تسلیم مقامات دولتی افغانستان است. این رویداد فاجعه ای بزرگ نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای تمام مردم منطقه و جهان است که با چشمان خیره شاهد بازگشت این پیامبران مرگ، تجاوز، ویرانگری، نکبت، تحقیر و لگدمال کردن ابتدائی ترین حقوق و عادی ترین نیازهای انسان ها به ویژه زنان هستند.

بازگشت ارتجاع خونین و پلید طالبانی بیانگر چند نکته حیاتی و هشدار و یادآوری فراموش نشدنی به توده های مردم ایران، افغانستان و دیگر سرزمین های منطقه است:

۱- حکومت دینی در تمام شکل هایش، از امارت اسلامی طالبانی گرفته تا رژیم جمهوری اسلامی، دولت اسلامی (داعش) و همپالگی های آنان در افریقا، یمن، فلسطین و غیره خطری بزرگ، مرگبار و ریشه دار است که برای ادامه حیات خود و ادامه سلطه ننگین مرتجع ترین استثمارگران و ستمگران از هیچ چیز ابا ندارد و هرگونه پویایی و تلاش پیشرونده و حتی فعالیت های عادی انسان ها برای زیست و کار و ارتباط را به تباهی می کشد یا از محتوا تهی می سازد. بدین سان یک انقلاب کامل و تمام عیار برای درهم شکستن حکومت های اسلامی و پان اسلامیم به طور کلی ضرورتی تاریخی است که در مقابل کارگران و زحمتکشان همه مردمانی که با چنین خطر و فاجعه ای مواجهند قرار دارد.

۲- هرگونه امید به دفع خطر حکومت دینی از سوی قدرت های امپریالیستی و یا انتظار کمک از آنها در جهت ایجاد حکومتی دموکراتیک، توهمی پوچ و خطرناک است. نیروهای امپریالیستی و قدرت های بزرگ منطقه ئی خود در شکل گیری و حتی ایجاد و یا دست کم تقویت و تغذیه مالی و تسلیحاتی و آموزشی نیروهای پان اسلامیستی یا برخی از

آنها نقش داشته و دارند. همچنین سیاست استیلاگرانۀ آن قدرت ها و سلطه و نفوذشان در سرزمین های دیگر زمینه رشد و تکثیر جنبش های پان اسلامیستی را فراهم می سازد و ماشین های تبلیغاتی و عوامفریبی آنها را تغذیه می کند.

۳- تداوم و جان سختی نیروهای پان اسلامیستی نشان دهنده وجود یک پایگاه اجتماعی و فرهنگی ارتجاعی داخلی است که زاینده و پرورنده چنین نیروهائی است. این، بار دیگر نشان می دهد که دفع شر اینان تنها با یک انقلاب که بنیان های ارتجاعی، چه در عرصه اقتصادی - اجتماعی و چه در حوزه سیاسی و فرهنگی، را هدف گیرد، میسر است.

بازگشت طالبان همچنین محصول توافق یا بده بستان با قدرت های محلی مانند روسیه، چین و ایران و دخالت مستقیم و تغذیه مالی پاکستان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و غیره است که برای تحقق منافع استیلاگرانه یا جاه طلبانه خود و تحکیم موقعیت شان، به پرورش چنین مارهائی در آستین منطقه روی می آورند. در این میان سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی در زمینه معامله با طالبان و حمایت آشکار یا پنهان سیاسی از آنها باید به ویژه افشاء گردد.

۴- ضروری است که کارگران و توده های زحمتکش کشورهای منطقه و جهان در تقابل با سیاست ها و منافع استثمارگرانه و سلطه طلبانه قدرت های بزرگ جهانی و منطقه ای، همبستگی بین المللی خود را با مردم تحت ستم افغانستان، به ویژه زنان دلیر این سرزمین، که در دشوارترین شرایط برای زندگی و شرف انسانی خود می رزمند در عمل نشان دهند. این همبستگی همچنین باید با پناهجویان افغان، که در اثر یورش نیروهای مرگ، تجاوز و ویرانگری طالبانی مجبور به ترک خانه خود و مهاجرت به کشورهای دیگر می شوند، صورت گیرد.

۲۴ مرداد [اسد] ۱۴۰۰